

مقاله علمی

فرآیند شکل‌گیری خشونت زنان علیه زنان، پژوهشی کیفی بر روی زنان ساکن شهر تهران

سیده پریسا تهامی منفرد^۱؛ عبدالرضا ادهمی^۲؛ طلیمه خادمیان^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۲/۲۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۹/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۸

چکیده

این پژوهش با هدف تبیین اجتماعی-فرهنگی خشونت زنان علیه زنان انجام شده است. در حالی که خشونت علیه زنان اغلب به‌عنوان پدیده‌ای ناشی از سلطه مردان بررسی شده، این پژوهش به بررسی نقش خود زنان در اعمال خشونت علیه هم‌جنسان‌شان پرداخته و تلاش دارد ابعاد مختلف این پدیده را روشن سازد. برای دستیابی به این هدف، از نظریه‌های تضاد منافع و یادگیری اجتماعی بهره گرفته شده است.

این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحقیق نظریه زمینه‌ای انجام شده است. مشارکت‌کنندگان این مطالعه بیست نفر از زنان خشونت‌دیده هستند که در مناطق یکم، دوم، شانزدهم و هفدهم شهر تهران به‌صورت هدفمند و مبتنی بر اشیاع نظری انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، پرسش‌نامه، مشاهده و تحلیل اسناد و مدارک بوده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ساختارهای خانوادگی، روابط میان همکاران و همسایگان، الگوهای یادگیری اجتماعی و موقعیت‌های تضاد منافع، از مهم‌ترین عوامل در شکل‌گیری خشونت زنان علیه زنان هستند. همچنین، زن‌ستیزی درونی‌شده، که به معنای پذیرش و بازتولید کلیشه‌های تبعیض‌آمیز توسط خود زنان است، نقش به‌سزایی در تقویت این نوع خشونت ایفا می‌کند. این پدیده می‌تواند به استمرار چرخه خشونت در روابط بین زنان منجر شود و آن را به یک امر نهادینه تبدیل کند. یافته‌های این پژوهش، زن‌ستیزی درونی‌شده را در تجربه‌ی زیسته‌ی نمونه‌ی مورد مطالعه و از دریچه‌ی نگاه آنان تبیین می‌کند.

کلیدواژه‌ها: خشونت زنان، تهران، نظریه زمینه‌ای، زن‌ستیزی درونی‌شده، تضاد منافع.

-
- ۱ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، parisa.tahami@iau.ac.ir
 - ۲ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) abadhami@iau.ac.ir
 - ۳ گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، t.khademian@iau.ac.ir

مقدمه

خشونت علیه زنان در اشکال مختلف آن، از جمله جسمی، کلامی، روانی، اقتصادی و نمادین، یکی از مهم‌ترین چالش‌های اجتماعی در سراسر جهان محسوب می‌شود. این پدیده نه تنها تهدیدی جدی برای امنیت و سلامت زنان است، بلکه بر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جوامع نیز تأثیرات عمیقی دارد (Ömer, 2022:8). اگرچه در بسیاری از پژوهش‌ها، مردان به‌عنوان عوامل اصلی خشونت علیه زنان معرفی شده‌اند، اما بررسی‌های جدید نشان داده است که زنان نیز در برخی موارد علیه هم‌جنسان خود خشونت اعمال می‌کنند. این پژوهش به دنبال بررسی ابعاد و عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت زنان علیه زنان و تحلیل چگونگی بازتولید این پدیده در ساختارهای اجتماعی است.

خشونت علیه زنان به‌عنوان یک معضل اجتماعی در بسترهای گوناگون رخ می‌دهد و متناسب با فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی مختلف، اشکال و شدت متفاوتی پیدا می‌کند. سازمان بهداشت جهانی اعلام کرده است که خشونت علیه زنان یک بحران بهداشت عمومی جهانی است که نیاز به اقدامات فوری دارد، زیرا این پدیده پیامدهای گسترده‌ای بر سلامت جسمی و روانی قربانیان خود دارد (Garcia-Moreno et al, 2013:45). این پیامدها شامل آسیب‌های جسمی جزئی تا شدید، اضطراب، افسردگی و حتی اختلالات روانی نظیر استرس پس از سانحه و افزایش گرایش به مصرف مواد مخدر است. سالانه حدود ۱,۳ میلیون زن در سراسر جهان به دلیل بیماری‌های عفونی، جراحات، بارداری و زایمان جان خود را از دست می‌دهند، درحالی‌که حدود ۱۰ درصد از این مرگ‌ها مستقیماً با خشونت مرتبط است (Nigam and Soperna, 2017:35). این آمار نشان می‌دهد که خشونت علیه زنان صرفاً یک مسئله اجتماعی نیست، بلکه بحرانی انسانی با پیامدهای گسترده است که مقابله با آن نیاز به سیاست‌گذاری‌های کلان و برنامه‌های مؤثر دارد.

اهمیت این مسئله آنجاست که بازتولید خشونت از طریق زنان، نه تنها روابط انسانی را مختل می‌کند، بلکه چرخه نابرابری و سلطه را نیز تداوم می‌بخشد. با توجه به فقدان مطالعات متمرکز بر این نوع خشونت و ضرورت شناخت ریشه‌های ساختاری آن، انجام پژوهشی با تمرکز بر عوامل اجتماعی و فرهنگی زمینه‌ساز این پدیده ضروری به نظر می‌رسد.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین جامعه‌شناختی خشونت زنان علیه زنان از نگاه زنان مشارکت‌کننده است. در همین راستا، پژوهش حاضر در پی آن است که نقش تضاد منافع در بروز خشونت میان زنان را بررسی کند، تأثیر جامعه‌پذیری جنسیتی بر بازتولید رفتارهای خشونت‌آمیز را تحلیل نماید، کلیشه‌های فرهنگی مؤثر بر نگرش‌های زن‌ستیزانه در میان زنان را شناسایی کند و همچنین نقش رقابت‌های اجتماعی، اقتصادی و عاطفی را در شکل‌گیری کنش‌های خشونت‌آمیز زنان نسبت به یکدیگر مورد مطالعه قرار دهد.

بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش چنین مطرح می‌شود که خشونت زنان علیه زنان چگونه شکل می‌گیرد و چه عوامل اجتماعی و فرهنگی در بروز و بازتولید آن نقش دارند. در کنار این پرسش کلیدی، چند سؤال فرعی نیز مسیر پژوهش را روشن می‌سازد: نخست، فرآیند جامعه‌پذیری جنسیتی چگونه می‌تواند در شکل‌گیری نگرش‌های خشونت‌آمیز زنان علیه زنان تأثیرگذار باشد؛ دوم، رقابت بر سر منابع محدود چه نقشی در گسترش خشونت میان آنان دارد؛ و سوم، کلیشه‌های فرهنگی به چه شیوه‌ای می‌توانند اعمال خشونت از سوی زنان را مشروعیت بخشند.

مفاهیم و اصطلاحات

زن‌ستیزی درونی شده^۱: زن‌ستیزی درونی‌شده یا به تعبیری جنسیت‌گرایی درونی، شکلی از رفتار و نگرش‌های جنسیتی است که توسط زنان نسبت به خود یا سایر زنان و دختران اعمال می‌شود (Bearman and Amrhein, 2013: 192). سازمان «پل‌های فرهنگی به سوی عدالت»^۲ جنسیت‌گرایی درونی‌شده در ابتدایی‌ترین سطح خود را به این صورت تعریف می‌کند: «باور غیرارادی زنان و دختران مبنی بر این‌که دروغ‌های جنسیتی، کلیشه‌ها و افسانه‌های مربوط به آن‌ها درست است» (CBJ:2012:2).

خشونت فیزیکی: خشونت فیزیکی شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگد زدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. بنابراین، هر نوع حمله فیزیکی به قصد آزار رساندن به فرد دیگر خشونت جسمانی تلقی می‌شود (منیر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۶).

1 Internalized Misogyny

2 Cultural Bridges to Justice

خشونت اقتصادی: خشونت اقتصادی به عملی اطلاق می‌گردد که بر پایه‌ی آن، مجری مالکیت اقتصادی را چنان در انحصار می‌گیرد که دیگر اعضای خانواده، مجبور به رعایت خواسته‌های او گردند. بدین ترتیب، قربانیان خانواده، به اقتضای زمان و نیازمندی‌های خویش، مجبور به تکدی‌گری شده، به خواسته‌های شخص حاکم گوش فرا می‌دهند و به آن تمکین می‌نمایند. همانند خشونت فیزیکی، در حوزه اقتصادی نیز نقش خود زنان در توسعه این ستیز و خشونت حائز اهمیت است.

خشونت عاطفی (روانی): خشونت عاطفی یا بدرفتاری روانی شامل تهدید، تحقیر و آسیب به احساسات فرد است که او را در معرض خطرات روانی و عاطفی جدی قرار می‌دهد. فریاد زدن، توهین، تحقیر، یا حتی سکوتی که موجب آزار روحی شود، از مصادیق این نوع خشونت محسوب می‌شوند (منیر و همکاران، ۱۳۸۷: ۲۷). خشونت عاطفی زنان علیه یکدیگر، یکی از جلوه‌های زن‌ستیزی درونی‌شده است. زنان در نقش‌هایی همچون مادر، خواهر، مادرشوهر، خواهرشوهر، هم‌کلاسی یا معلم می‌توانند ضربات عاطفی شدیدی بر یکدیگر وارد کنند. همچنین، در برخی موارد، زنان با نیت خیرخواهانه یا از روی رقابت، مردان را به اعمال خشونت عاطفی علیه زنان دیگر تشویق می‌کنند.

خشونت کلامی: یکی از اشکال خشونت زنان علیه زنان است که برخلاف خشونت فیزیکی، اثری ظاهری برجای نمی‌گذارد، اما می‌تواند به همان اندازه دردناک و ماندگار باشد. این نوع خشونت در محیط‌های عمومی و خصوصی به اشکال مختلفی بروز می‌یابد. از مصادیق آن می‌توان به دشنام دادن، استفاده از کلمات رکیک، بدرفتاری مستمر، تحقیر، تهدید، قهر و ممنوعیت ارتباط با دیگران اشاره کرد. این رفتارها، اگرچه وضوح خشونت فیزیکی را ندارند، اما آسیب‌های روانی و عاطفی عمیقی به قربانی وارد می‌کنند (سهراب‌زاده و منصوریان راوندی، ۱۳۹۶: ۲۴۷).

خشونت نمادین^۱: خشونت نمادین مفهومی است که پیر بوردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، مطرح کرده است. این نوع خشونت به تحمیل ناآشکار ارزش‌ها، هنجارها و باورهای سلطه‌گران بر زیردستان اشاره دارد، به‌گونه‌ای که این تحمیل از سوی زیردستان نیز پذیرفته

می‌شود. خشونت نمادین از طریق زبان، آموزش، رسانه‌ها و فرهنگ اعمال شده و موجب پذیرش طبیعی ارزش‌های حاکم می‌شود. این فرآیند در نهایت به بازتولید نابرابری‌های اجتماعی منجر می‌شود، بدون آن‌که افراد متوجه سلطه و فشار باشند (بورديو، ۱۳۹۳: ۷۵).

پیشینه پژوهش

در دهه‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در ایران به خشونت علیه زنان پرداخته‌اند، اما بیشتر این مطالعات بر خشونت مردان علیه زنان متمرکز بوده‌اند. از دهه ۱۳۷۰، توجه به این موضوع افزایش یافته، اما خشونت زنان علیه زنان همچنان به‌عنوان یک حوزه مستقل کمتر مورد بررسی قرار گرفته است. اغلب پژوهش‌ها یا به این مسئله به‌صورت حاشیه‌ای پرداخته‌اند یا آن را در چارچوب کلی خشونت جنسیتی بررسی کرده‌اند. این کمبود مطالعات جامع نشان می‌دهد که بررسی این پدیده، به‌ویژه با توجه به اثرات اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی آن در ایران، نیازمند توجه بیشتری است.

نقیسه شاملو کاظمی (۱۴۰۳) به بررسی پیامدهای حقوقی و اجتماعی نفرت‌پراکنی علیه زنان در فضای مجازی و تأثیر آن بر جایگاه زنان در خانواده پرداخته است. یافته‌های او نشان می‌دهد که نفرت‌پراکنی در فضای مجازی می‌تواند نگرش‌های اجتماعی نسبت به نقش‌های سنتی زنان، از جمله همسری و مادری، را تضعیف کرده و به فروپاشی بنیان خانواده منجر شود.

امین مهسان اکبری (۱۴۰۲) به بررسی روش‌های شناسایی محتوای زن‌ستیزانه در توییتر پرداخته است. یافته‌هایش نشان می‌دهد که ترکیب اطلاعات جنسیت کاربران با متن توییت، می‌تواند دقت مدل‌های شناسایی نفرت علیه زنان را افزایش دهد.

آملیا ریشا (۲۰۲۳) در مقاله‌اش معتقد است که ستم بی‌پایان مردسالاری باعث ایجاد رقابت در روابط زنان می‌شود. زنان یکدیگر را مشاهده می‌کنند، شکست می‌دهند، توهین، کوچک و سرنگون می‌کنند که در اعمال زن‌ستیزی درونی گنجانده شده است. زن‌ستیزی درونی ستم بر زنان را در جامعه تقویت می‌کند. زنان دیگر زنان را از روی رفتار، ظاهر و حتی زندگی خصوصی‌شان ارزیابی می‌کنند. اعمال تبعیض‌آمیز مانند تمسخر، قلدری، برچسب زدن، کاهش ارزش زنان و سوء استفاده ناآگاهانه از حقوق زنان نیز توسط زنان انجام شده است.

گرشون و لیویا (۲۰۲۳) در مقاله‌ای رفتار و کنش سیاسی زنان علیه زنان را مورد مطالعه قرار داده و بر همین پایه تلاش دارند نشان دهند که زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی نه تنها دارای هویت واحد و منسجمی نیستند، بلکه ترجیح می‌دهند علیه همدیگر باشند.

مبانی نظری پژوهش

تبیین خشونت زنان علیه زنان نیازمند بهره‌گیری از الگوهای نظری مرتبط با عوامل خشونت است. در این راستا، نظریه‌هایی مانند یادگیری اجتماعی بندورا، مبادله اجتماعی هومنز، منابع ویلیام گود، فشار مرتن، آنومی دورکیم، جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی دوبوار، تضاد دارندورف، اجتماعی شدن و هماهنگی فرهنگی مطرح شده‌اند. در پژوهش حاضر، دو نظریه تضاد منافع و یادگیری اجتماعی برای بررسی عوامل اجتماعی این پدیده مورد واکاوی قرار خواهند گرفت.

نظریه تضاد منافع^۱: رالف دارندورف به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته تضاد، معتقد بود که جامعه دارای دو وجه اصلی است: توافق و تضاد. او استدلال کرد که هر نظریه جامعه‌شناسی باید به دو بخش نظریه توافق و نظریه تضاد تقسیم شود. از دیدگاه او، نظریه‌پردازان توافق باید بر یکپارچگی ارزشی در جامعه تمرکز کنند، در حالی که نظریه‌پردازان تضاد باید به بررسی کشمکش منافع و نقش اعمال زور در جلوگیری از فروپاشی جامعه بپردازند. دارندورف بر این باور بود که جامعه بدون وجود هر دو بعد توافق و تضاد نمی‌تواند به بقای خود ادامه دهد.

دارندورف بر نقش اقتدار در ساختارهای اجتماعی تمرکز داشت و آن را منبع اصلی تضادهای اجتماعی می‌دانست. از نظر او، اقتدار در سمت‌های اجتماعی نهفته است و نابرابری در توزیع آن به تضادهای ساختاری منجر می‌شود. او سه نوع گروه اجتماعی را مطرح کرد: شبه‌گروه‌ها (افراد با منافع مشترک)، گروه‌های هم‌سود (توسعه‌یافته از شبه‌گروه‌ها) و گروه‌های تضاد (نتیجه نهایی این فرآیند). به باور او، تضادهای اجتماعی موجب تغییرات ساختاری و تحولات عمیق در جامعه می‌شوند.

اقتدار و نابرابری: دارندورف تضادهای اجتماعی را به روابط اقتداری و نه صرفاً به روابط مالکیتی محدود می‌داند. او معتقد است که توزیع نابرابر اقتدار در سازمان‌های اجتماعی باعث ایجاد گروه‌های دارای قدرت و فاقد قدرت می‌شود.

نهادینه‌شدن تضاد: برخلاف تصور مارکس درباره خشونت‌آمیز بودن تضاد طبقاتی، دارندورف باور داشت که تضادها در جوامع صنعتی از طریق نهادهایی مانند اتحادیه‌های کارگری، کنترل و نهادی شده‌اند.

تضاد و وفاق: دارندورف میان تضاد و وفاق رابطه‌ای مکمل می‌بیند. او تأکید داشت که جامعه نمی‌تواند بدون این دو جنبه به حیات خود ادامه دهد (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰: ۸۱).

تئوری تضاد منافع به موقعیت‌هایی اشاره دارد که در آن منافع شخصی یا روابط فرد یا نهاد با وظایف حرفه‌ای یا رسمی او در تعارض قرار می‌گیرد و می‌تواند قضاوت یا درستی عملکرد را به خطر بیندازد (Segal, 2023: 3). نظریه تضاد منافع برای تبیین عوامل خشونت زنان علیه زنان از این حیث حائز اهمیت است که ریشه این ستیز درونی را در تضاد منافع بین زنان جستجو می‌کند. در واقع اگر از چارچوب این نظریه استفاده شود خشونت زنان علیه همدیگر ریشه در منافع متضاد و کمبود آن‌ها دارد. افراد در تلاش برای کسب یک شغل، کسب درآمد و جایگاه بهتر، یک رقابت عشقی و... ممکن است دست به خشونت علیه هم‌نوع جنسی خود بزنند.

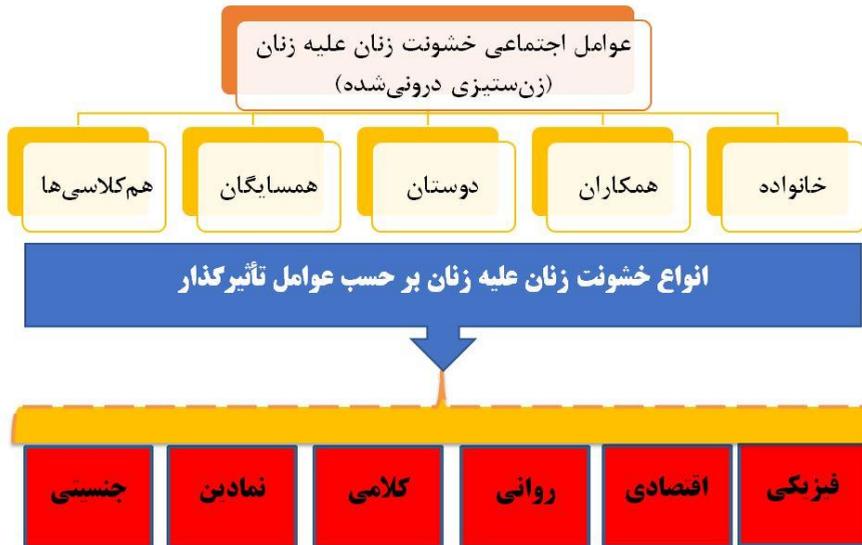
نظریه یادگیری اجتماعی^۱: نظریه یادگیری اجتماعی بیان می‌کند که رفتارهای جدید از طریق مشاهده، تقلید و الگوسازی به دست می‌آیند و یادگیری به‌عنوان یک فرآیند شناختی در زمینه اجتماعی شکل می‌گیرد، حتی بدون نیاز به تشویق یا تنبیه مستقیم. نظریه اجتماعی شدن نیز به فرآیندی می‌پردازد که طی آن افراد هویت و ارزش‌های اجتماعی خود را در تعامل با محیط اجتماعی شکل می‌دهند. روان‌شناسان اجتماعی معتقدند که هویت دارای ابعاد فردی و جمعی است و در فرآیند جامعه‌پذیری تکامل می‌یابد (Bandura, 1963: 45).

همچنین این نظریه بر نقش اجتماع و فرهنگ در تکوین هویت و رفتار تأکید دارد. اجتماعی‌شدن از طریق تعامل با خانواده، مدرسه، هم‌سالان و نهادهای مختلف رخ می‌دهد و

تحت تأثیر عوامل فرهنگی، تاریخی و اجتماعی قرار دارد. این فرآیند شامل سه مرحله است: تعلیم (انتقال مهارت‌ها و ارزش‌های اجتماعی)، تمرین (تثبیت این مهارت‌ها از طریق تجربه) و درون‌نگری (تحلیل تجربیات و شکل‌گیری هویت شخصی).

مدل مفهومی

آنچه از مطالعات پیشینی و به‌ویژه ادبیات مفهومی و نظریات مربوط به خشونت علیه زنان برداشت می‌شود، زن‌ستیزی درونی‌شده یا به تعبیری خشونت زنان علیه زنان انواع و اقسام مهمی دارد که مهم‌ترین آن‌ها خشونت‌های فیزیکی، اقتصادی، نمادین، کلامی، جنسیتی و روانی است که ابعاد مهم آن در بیان مسئله و همچنین تعریف مفاهیم تبیین گردید. اما مهم‌تر از انواع خشونت، موضوع عوامل شکل‌گیری این‌گونه خشونت‌هاست که مسئله اصلی این تحقیق نیز همین زمینه‌ها و عوامل زن‌ستیزی درونی‌شده است. این زمینه‌ها و ابعاد را می‌توان به دو دسته عوامل فرهنگی و اجتماعی تقسیم کرد که هر کدام شامل مواردی است که نقش مهمی در شکل‌گیری خشونت زنان علیه زنان دارد. به‌طور کلی رابطه انواع خشونت و عوامل تأثیرگذار بر خشونت زنان علیه زنان به شکل زیر قابل ترسیم است.



روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش نظریه زمینه‌ای (گرند تئوری) انجام شده که به دلیل انعطاف‌پذیری و توانایی آن در تبیین پدیده‌های پیچیده انتخاب شده است. مشارکت‌کنندگان شامل زنان خشونت‌دیده در مناطق ۱، ۲، ۱۶ و ۱۷ شهرداری تهران هستند که از طریق نمونه‌گیری هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شده‌اند. این مناطق به‌صورت هدفمند انتخاب شدند تا تنوع اقتصادی - اجتماعی شهر تهران در نمونه پژوهش بازنمایی شود. مناطق ۱ و ۲ به‌عنوان مناطق برخوردار، و مناطق ۱۶ و ۱۷ به‌عنوان مناطق کمتر برخوردار، انتخاب شدند تا تفاوت‌های ساختاری، فرهنگی و اقتصادی که می‌توانند در تجربه خشونت مؤثر باشند، در داده‌ها منعکس شود. این تنوع به پژوهشگر امکان داد تا خشونت زنان علیه زنان را در زمینه‌های اجتماعی متفاوت مورد بررسی قرار دهد و به استخراج الگوهای جامع‌تر کمک کند. نمونه‌گیری از میان جامعه آماری این مناطق، به روش هدفمند انجام شد؛ به این معنا که مشارکت‌کنندگان بر پایه‌ی معیار تجربه مستقیم خشونت از سوی دیگر زنان (اعم از خشونت خانوادگی، شغلی، همسایگی، یا دوستانه)، توانایی بازگویی تجربه زیسته خود و تمایل به مشارکت داوطلبانه انتخاب شدند. فرآیند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه یافت که داده‌های جدید به ظهور مقوله یا مفهوم تازه‌ای منجر نشد و پژوهشگر به مرحله اشباع نظری دست یافت؛ بدین معنا که مفاهیم تکرار شدند و الگوی نظری تکمیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، پرسش‌نامه، مشاهده و تحلیل اسناد بوده و به پژوهشگر امکان داده است تا ابعاد مختلف این پدیده را بررسی کند. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، امکان طرح پرسش‌های انعطاف‌پذیر و پیگیری روایت‌های فردی را فراهم می‌ساخت. در کنار مصاحبه‌ها، از پرسشنامه کوتاه جمعیت‌شناختی برای ثبت اطلاعات پایه‌ای مشارکت‌کنندگان نظیر سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، وضعیت شغلی، سطح درآمد و محل سکونت استفاده شد تا به ترسیم مشخصات نمونه پژوهش و تحلیل زمینه‌های اجتماعی تجربیات آنان کمک شود. همچنین، مشاهده‌های میدانی محدود و بررسی برخی اسناد و منابع تکمیلی برای غنای داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت. تحلیل داده‌ها پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های ضبط شده بر اساس مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی در چارچوب نظریه زمینه‌ای انجام شد و

مفاهیم نهایی از طریق مقایسه مستمر داده‌ها استخراج گردید. این پژوهش از نوع بنیادین بوده و هدف آن توسعه نظریه در زمینه خشونت زنان علیه زنان است. تحلیل داده‌ها بر اساس کدگذاری باز، محوری و انتخابی در چارچوب نظریه زمینه‌ای انجام شده است. عوامل اجتماعی که بر اساس روابط زنان با خانواده، دوستان، همسایگان، همکلاسی‌ها و همکاران شکل می‌گیرند از طریق تعاملات اجتماعی و کیفیت ارتباطات تأثیرگذار بر رفتارهای فردی بررسی می‌شوند. پدیده مرکزی در این پژوهش خشونت زنان علیه زنان است که به آسیب‌رسانی جسمی، روانی و اجتماعی از سوی زنی علیه زنی دیگر اشاره دارد. این خشونت ممکن است به شکل کلامی، فیزیکی یا روانی باشد و از طریق داده‌های جمع‌آوری شده از پرسش‌نامه و مصاحبه‌ها تحلیل می‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، داده‌های حاصل از مصاحبه با ۲۰ زن آسیب‌دیده در مناطق ۱، ۲، ۱۶ و ۱۷ تهران تحلیل می‌شود. هدف این مصاحبه‌ها شناسایی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر خشونت زنان علیه زنان است. داده‌ها با توجه به جدول زیر شامل اطلاعات فردی و اجتماعی مصاحبه‌شوندگان مانند سن، تحصیلات، وضعیت شغلی، وضعیت تأهل و منطقه سکونت است که به شناسایی ارتباط این عوامل با نوع و شدت خشونت کمک می‌کند. تحلیل همچنین به انواع خشونت مانند فیزیکی، اقتصادی، عاطفی، کلامی، نمادین و جنسیتی پرداخته و نحوه بروز آن‌ها در روابط زنان را بررسی می‌کند. در مرحله بعد، عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت زنان مورد توجه قرار می‌گیرد. نقش خانواده، دوستان، همسایگان و همکاران در تقویت یا کاهش خشونت‌ها بررسی می‌شود. در نهایت، الگوی کلی خشونت زنان علیه زنان به‌عنوان پدیده‌ای درونی شده ارائه می‌شود تا پویایی‌های پیچیده آن را تبیین کند و راهکارهایی برای پژوهش‌های آینده و کاهش خشونت پیشنهاد دهد.

جدول ۱. مشخصات مصاحبه‌شونده‌ها

شماره	سن	تحصیلات	وضعیت شغلی	وضعیت تاهل	درآمد (میلیون تومان)	وضعیت سکونت	وضعیت پوشش	منطقه
۱	۲۷	کارشناسی	شاغل خصوصی	مجرد	کمتر از ۱۵	همراه با والدین	بستگی به موقعیت	۲
۲	۴۱	دکتری	شاغل دولتی	در حال جدا شدن	۱۵-۲۴	همراه با همسر و فرزند	بستگی به موقعیت	۲
۳	۳۸	کارشناسی	بیکار	متارکه	کمتر از ۱۵	با خواهرش	بستگی به موقعیت	۱
۴	۲۰	کارشناسی	شاغل خصوصی	مجرد	کمتر از ۱۵	همراه با والدین	بستگی به موقعیت	۱۶
۵	۲۰	کارشناسی	شاغل خصوصی	مجرد	کمتر از ۱۵	همراه با والدین	بستگی به موقعیت	۲
۶	۴۰	کارشناسی	آزاد	متارکه	۲۵-۳۴	با دخترم	بستگی به موقعیت	۱۶
۷	۴۶	کارشناسی	شاغل خصوصی	ازدواج دوم	کمتر از ۱۵	همراه با والدین	بستگی به موقعیت	۲
۸	۴۸	کارشناسی	بیکار	متاهل	بدون درآمد	همراه با همسر و فرزند	چادری	۱۷
۹	۳۶	کارشناسی	آزاد	ازدواج دوم	بیشتر از ۳۵	همراه با همسر و فرزند	بستگی به موقعیت	۱
۱۰	۵۲	زیردیپلم	بیکار	متاهل	بدون درآمد	همراه با همسر و فرزند	مانتو	۱۶
۱۱	۴۲	دیپلم	بیکار	متاهل	کمتر از ۱۵	همراه با همسر و فرزند	چادری	۱۶
۱۲	۳۷	کارشناسی ارشد	بیکار	متاهل	بدون درآمد	همراه با همسر و	مانتو	۱۷

شماره	سن	تحصیلات	وضعیت شغلی	وضعیت تاهل	درآمد (میلیون تومان)	وضعیت سکونت	وضعیت پوشش	منطقه
						فرزند		
۱۳	۵۲	دیپلم	بیکار	متارکه	کمتر از ۱۵ با مهریه	همراه با دخترش	بستگی به موقعیت	۱۷
۱۴	۴۲	کارشناسی	آزاد	ازدواج سوم	۲۴-۱۵	همراه با همسر و فرزند	کم حجاب	۱
۱۵	۲۱	کارشناسی	شاغل خصوصی	مجرد	کمتر از ۱۵	همراه با والدین	بستگی به موقعیت	۱۷
۱۶	۴۱	کارشناسی	بیکار	متاهل	بدون درآمد	همراه با همسر و فرزند	مانتو	۱
۱۷	۳۵	کارشناسی	دولتی	مجرد	کمتر از ۱۵	همراه با والدین	بستگی به موقعیت	۱۷
۱۸	۲۹	کارشناسی ارشد	آزاد	مجرد	۲۴-۱۵	تنها	بستگی به موقعیت	۱
۱۹	۴۸	دیپلم	بیکار	متاهل	بدون درآمد	همراه با همسر و فرزند	مانتو	۱۶
۲۰	۳۰	کارشناسی ارشد	شاغل خصوصی	مجرد	۲۴-۱۵	تنها	بستگی به موقعیت	۲

تحلیل انواع خشونت زنان علیه زنان

در این بخش، انواع خشونت زنان علیه زنان شامل خشونت فیزیکی، اقتصادی، عاطفی، کلامی، نمادین و جنسیتی بررسی شده است. همانگونه که پیش از این اشاره شد، خشونت فیزیکی شامل ضرب و شتم و تهدید است، خشونت اقتصادی به وسیله عدم حمایت مالی و سوءاستفاده از دارایی‌ها بروز می‌کند. خشونت کلامی به صورت توهین و شایعه‌پراکنی، خشونت عاطفی از طریق طرد و بی‌توجهی، و خشونت نمادین از طریق تحمیل نقش‌های سنتی و برچسب‌زنی

نمایان می‌شود. خشونت جنسیتی نیز به حسادت و محدودیت‌های جنسیتی اشاره دارد. این دسته‌بندی‌ها به تحلیل ریشه‌ها و انگیزه‌های خشونت میان زنان کمک می‌کند.

جدول ۲. تحلیل انواع خشونت

کدگذاری باز	کدگذاری محوری	کد انتخابی
تجربیات خشونت زنان علیه زنان شامل موارد مختلفی مانند ضربه و گاز گرفتن توسط مادر هنگام عصبانیت، تخریب وسایل شخصی توسط خواهرزاده، تنبیه بدنی از سوی خواهر، خشونت فیزیکی در مکان‌های عمومی نظیر مترو و خیابان، آسیب به وسایل شخصی توسط دیگر زنان، درگیری‌های فیزیکی در جمع‌های خانوادگی و محیط کار، کتک‌خوردن به دلیل پوشش، تهدید و خشونت از سوی زنان به دلیل ظاهر یا عقاید، و درگیری‌های فیزیکی با اعضای خانواده یا دیگر زنان می‌شود. این تجربیات همچنین شامل ضرب و شتم دوران کودکی، تنبیه بدنی از سوی معلم و ناظم در مدرسه، و درگیری‌های شدید با خانواده همسر است که به مصدومیت و پیگیری قانونی منجر شده است.	الگوهای خشونت فیزیکی گسترده از سوی سایر زنان و تنبیه و تهدید فیزیکی به دلیل عقاید یا انتخاب‌های شخصی	خشونت فیزیکی
تجربیات مالی شامل فشار ناشی از مسئولیت‌های مادر، عدم حمایت مالی از خواهر، فریب مالی توسط فروشندگان زن، سوءاستفاده مالی از خانواده و دوستان، و مشکلات در کسب‌وکار به دلیل عدم بازپرداخت وجوه از سوی دیگر زنان است. همچنین قرض دادن پول بدون بازپرداخت، مشکلات مالی با قرض گرفتن از خانواده و دوستان، و اخاذی و تهدید به افشای آبرو نیز مشاهده می‌شود.	سوءاستفاده مالی، قرض‌های بازپرداخت‌نشده، عدم حمایت اقتصادی در شرایط بحرانی، تبعیض مالی توسط سایر زنان	خشونت اقتصادی
تجربیات تحقیر کلامی شامل توهین از سوی مادر و همکاران زن، شایعه‌پراکنی درباره ظاهر و وضعیت زناشویی، سرزنش مداوم توسط خواهر و بستگان، تمسخر به دلیل انتخاب پوشش و نقد در محیط کار است. همچنین، تجربه توهین پس از طلاق، تمسخر به خاطر موفقیت‌ها و ویژگی‌های جسمی، و بدگویی از سوی زنان خانواده و اطرافیان نیز مشاهده می‌شود.	توهین و تحقیر مداوم کلامی در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی، شایعه‌پراکنی و سرزنش مداوم توسط دیگر زنان	خشونت کلامی
تجربیات مربوط به کنترل و محدودیت‌های شدید از سوی مادر	آسیب‌های عاطفی و روانی	خشونت

کد انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
عاطفی	ناشی از بی‌توجهی و طرد شدن، تخریب عاطفی در روابط با سایر زنان	شامل احساس عدم اعتماد به دیگران، بی‌توجهی به احساسات و نیازها، و نادیده‌گرفتن ارزش‌های فرد توسط دوستان و خانواده است. این موارد باعث ایجاد فشار روانی و طرد شدن از سوی زنان خانواده، همچنین تخریب عاطفی و بی‌اعتنایی از سوی دیگران، به‌ویژه مادر همسر و خواهرشوهر شده است.
خشونت نمادین	برچسب‌زنی بر پایه‌ی وضعیت فردی، فشار برای تطابق با کلیشه‌های فرهنگی تحمیل‌شده توسط زنان	محدودیت‌های رفتاری از سوی خانواده و زنان فامیل شامل فشار برای پنهان کردن گرایش جنسی و نوع پوشش، برچسب‌گذاری منفی به‌خاطر ظاهر و رفتار، قضاوت‌های ناعادلانه به‌خاطر طلاق و سبک زندگی، و تبعیض در محیط کار به‌دلیل موقعیت شخصی است. این فشارها شامل تطابق با نقش‌های سنتی، تلاش برای کنترل رفتار و انزوای اجتماعی به‌دلیل تفاوت‌های فردی و هویت شخصی می‌شود.
خشونت جنسیتی	تجربه رقیب عشقی و حسادت در محیط کار و خانواده و محدودیت‌های جنسیتی از سوی سایر زنان	مواجهه با حسادت و رقابت در روابط عاطفی شامل تلاش دوستان یا افراد نزدیک برای نزدیکی به شریک عاطفی فرد، شوخی‌های نامناسب با شوهر و دخالت‌های دیگر زنان در روابط زناشویی است. همچنین، شامل رقابت‌های عشقی، فشار برای حفظ ارتباطات خاص، بی‌احترامی به حریم شخصی، و تجربه خشونت به‌دلیل گرایش جنسی می‌شود. این مسائل در محیط‌های کاری و خانوادگی نیز به‌صورت رقابت و فشارهای نامناسب بروز می‌یابد.

خشونت فیزیکی زنان علیه زنان: ابعاد، دلایل و پیامدها

شرح و مفاهیم مرتبط با این خشونت در جدول زیر آمده است. برای کاهش این خشونت، ضروری است که آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض، تقویت قوانین حمایتی، افزایش آگاهی عمومی و ارائه خدمات مشاوره‌ای مورد توجه قرار گیرد تا زمینه ایجاد جامعه‌ای عاری از خشونت فراهم شود.

جدول ۳. ابعاد، دلایل و پیامدهای خشونت فیزیکی

خشونت فیزیکی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
پدیده اصلی	خشونت فیزیکی زنان علیه زنان
شرایط علی	اختلافات خانوادگی: درگیری با خواهر، خواهرشوهر، دخترعمه، تهدید و کتک‌خوردن از زنان خانواده در کودکی.
	موقعیت‌های عمومی و شلوغ: درگیری در مترو، خیابان، محل کار، و برخوردهای ناخواسته یا تهدید به زیر گرفتن با ماشین.
	فرهنگ تنبیه در کودکی: تنبیه بدنی توسط مادر، معلم و ناظم.
شرایط زمینه‌ای	محیط خانواده: نبود راهبردهای حل تعارض و تسلط فرهنگ خشونت در خانواده.
	محیط اجتماعی: ضعف قوانین حمایتی و عادی‌سازی خشونت در اجتماع.
	آموزش و تربیت: استفاده از خشونت به عنوان ابزار تنبیه و کنترل.
راهبردها	واکنش‌های قانونی: شکایت و پیگیری حقوقی پس از آسیب (درگیری با زنان خانواده همسر).
	مواجهه مستقیم: درگیری فیزیکی در محل حادثه (مثلاً مترو، خیابان).
	سرکوب احساسات: عدم بیان یا گزارش خشونت به دلیل ترس یا عادی‌سازی خشونت.
پیامدها	آسیب‌های جسمی: مصدومیت در درگیری‌ها.
	آسیب‌های روحی: کاهش اعتماد به نفس، اضطراب و ترس از روابط اجتماعی.
	بازتولید خشونت: ادامه خشونت به نسل‌های بعدی و تثبیت الگوهای خشونت‌آمیز.

خشونت اقتصادی زنان علیه زنان

شرح و مفاهیم مرتبط با این خشونت در جدول زیر آمده است. مقابله با این نوع خشونت مستلزم افزایش آگاهی درباره حقوق مالی زنان، تقویت قوانین حمایتی، ارائه آموزش‌های مرتبط با مدیریت منابع مالی و ایجاد نهادهای مشاوره اقتصادی است تا استقلال مالی زنان تقویت و عدالت اجتماعی بهبود یابد.

جدول ۴. ابعاد، دلایل و پیامدهای خشونت اقتصادی

خشونت اقتصادی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
پدیده اصلی	فشار مالی و سوءاستفاده مالی از زنان توسط زنان دیگر
شرایط علی	عدم حمایت مالی از سوی خانواده (خواهر، مادر)
	زیان‌های مالی ناشی از اعتماد به زنان دیگر (فروشنده، دوستان، همکاران، فامیل)
	بدهی‌های ناشی از ناتوانی در مدیریت مالی و نه گفتن به درخواست‌ها
شرایط زمینه‌ای	فرهنگ روابط مالی غیرمنصفانه در خانواده و جامعه
	نابرابری در تقسیم منابع (ارث ناعادلانه، بار مالی بر عهده زنان)
	فشار اجتماعی برای پذیرفتن نقش حمایت‌گر و کمک‌کننده
راهبردها	تحمل فشار مالی بدون اعتراض یا پیگیری قانونی
	قرض دادن به امید بازپرداخت و مواجهه با ناامیدی
	تلاش برای حل تعارض از طریق روابط غیررسمی (صحبت با خانواده یا دوستان)
پیامدها	مشکلات مالی پایدار (بدهی، عدم بازگشت پول، زیان در کسب‌وکار)
	آسیب روانی ناشی از احساس بی‌عدالتی و خیانت
	تضعیف روابط خانوادگی و اجتماعی به دلیل سوءاستفاده مالی

خشونت کلامی زنان علیه زنان

شرح و مفاهیم مرتبط با این خشونت در جدول زیر آمده است. مقابله با این پدیده مستلزم تقویت مهارت‌های ارتباطی، تغییر نگرش‌های فرهنگی، حمایت روانی از قربانیان و وضع قوانین حمایتی در محیط‌های کاری و آموزشی است تا همبستگی میان زنان تقویت و رفتارهای آسیب‌زا کاهش یابد.

جدول ۵. ابعاد، دلایل و پیامدهای خشونت کلامی

خشونت کلامی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
پدیده اصلی	تحقیر کلامی، توهین و شایعه‌پراکنی زنان علیه زنان.
شرایط علی	اختلافات فرهنگی و اجتماعی (توهین به دلیل پوشش، سبک زندگی، یا اختلافات فرهنگی).
	رقابت‌های خانوادگی و اجتماعی (شایعه‌پراکنی به دلیل موفقیت تحصیلی یا شغلی).
	محیط‌های آموزشی و کاری ناسالم (تمسخر از سوی همکلاسی‌ها، توهین در محیط کار).

خشونت کلامی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
	عدم پذیرش انتخاب‌های فردی (انتقاد و تحقیر به دلیل طلاق یا سبک زندگی).
شرایط زمینه‌ای	ساختارهای سنتی که قضاوت و تمسخر را در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی ترویج می‌دهند.
	نبود فرهنگ احترام به تفاوت‌ها در محیط‌های عمومی و کاری.
	تسلط نگرش‌های جنسیتی که زنان را به رقابت ناسالم با یکدیگر سوق می‌دهد.
راهِبردها	سکوت و تحمل تحقیر به دلیل ترس از واکنش‌های بیشتر.
	تلاش برای دفاع شخصی در مقابل توهین و شایعه‌پراکنی.
	کاهش ارتباطات اجتماعی یا خانوادگی برای اجتناب از تمسخر و توهین.
پیامدها	کاهش عزت نفس و افزایش اضطراب و استرس.
	تضعیف روابط اجتماعی و خانوادگی
	احساس انزوا و کاهش اعتماد به دیگران

خشونت عاطفی زنان علیه زنان

شرح و مفاهیم مرتبط با این خشونت در جدول زیر آمده است. برای مقابله با آن، آموزش مهارت‌های ارتباطی، افزایش آگاهی درباره نیازهای عاطفی، تقویت حمایت‌های خانوادگی و اصلاح نگرش‌های سنتی ضروری است تا کیفیت روابط میان زنان بهبود یابد.

جدول ۶. ابعاد، دلایل و پیامدهای خشونت عاطفی

خشونت عاطفی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
پدیده اصلی	کنترل، محدودیت، بی‌توجهی و رفتارهای منفی عاطفی زنان علیه زنان.
شرایط علی	کنترل و محدودیت‌های شدید از سوی مادر (محدودیت در تصمیم‌گیری، نادیده‌گرفتن احساسات و نیازها).
	رفتارهای منفی و نادیده‌گیری عاطفی توسط زنان خانواده (خواهر، مادر، خواهر و مادر شوهر).
	بی‌توجهی به نیازهای مالی و عاطفی فرد (عدم حمایت در شرایط آسیب‌پذیری).
	انتقال فشار روانی و انرژی منفی از سوی زنان خانواده همسر و اقوام.
شرایط	ضعف در ارتباطات عاطفی و حمایتی در ساختار خانواده.
	نبود فرهنگ توجه به سلامت روان و نیازهای عاطفی در جامعه.

خشونت عاطفی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
زمینه‌ای	تمرکز بر نقش‌های سنتی و سرکوب احساسات فردی.
راهبردها	تحمل رفتارهای منفی به دلیل وابستگی مالی یا عاطفی به خانواده.
	فاصله‌گیری عاطفی از زنان خانواده و کاهش روابط. تلاش برای جلب توجه یا تغییر رفتار از طریق ابراز نیازها یا گفت‌وگو.
پیامدها	ایجاد احساس طردشدگی، ناامیدی و بی‌اعتمادی به دیگران.
	کاهش عزت نفس و افزایش خشم و اضطراب.
	تأثیرات منفی بر روابط اجتماعی و خانوادگی.

خشونت نمادین زنان علیه زنان

شرح و مفاهیم مرتبط با این خشونت در جدول زیر آمده است. برای مقابله با این خشونت، تقویت فرهنگ احترام به تفاوت‌ها، افزایش آگاهی درباره حقوق فردی، توانمندسازی زنان و اصلاح نگرش‌های سنتی در محیط‌های خانوادگی و اجتماعی ضروری است.

جدول ۷. ابعاد، دلایل و پیامدهای خشونت نمادین

خشونت نمادین	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
پدیده اصلی	قضاوت، برچسب‌زنی و اعمال محدودیت‌های اجتماعی بر زنان توسط زنان دیگر.
شرایط علی	انتظارات خانوادگی و اجتماعی برای حفظ آبرو و تطابق با هنجارهای سنتی.
	قضاوت‌ها و برچسب‌های منفی بر پایه‌ی ظاهر، رفتار، سبک زندگی و موقعیت شخصی (طلاق، هویت مستقل).
	تبعیض در محیط کار و روابط اجتماعی به دلیل تفاوت‌های فردی و جنسی.
شرایط زمینه‌ای	فشار زنان دیگر برای رعایت نقش‌های سنتی اجتماعی و جنسیتی.
	فرهنگ قضاوت‌محور و هنجارهای اجتماعی سخت‌گیرانه در خانواده و جامعه.
	نبود پذیرش تفاوت‌های فردی و شخصیتی در محیط‌های خانوادگی، کاری و اجتماعی.
راهبردها	ساختارهای سنتی که زنان را به نقش‌های خاص محدود و وابسته می‌کند.
	تلاش برای انطباق با انتظارات برای جلوگیری از قضاوت و فشار اجتماعی. مقابله با قضاوت‌ها از طریق رفتار مستقل یا نادیده‌گرفتن نگاه‌ها و انتقادات.

خشونت نمادین	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
	فاصله‌گیری اجتماعی و انزوا به‌عنوان واکنش به فشارهای اجتماعی و خانوادگی.
پیامدها	احساس طردشدگی و کاهش عزت نفس.
	ایجاد استرس، اضطراب و فشار روانی به‌دلیل انتظارات ناعادلانه.
	کاهش کیفیت روابط خانوادگی و اجتماعی.

خشونت جنسیتی زنان علیه زنان

شرح و مفاهیم مرتبط با این خشونت در جدول زیر آمده است. برای مقابله با این پدیده، آموزش مهارت‌های مدیریت رقابت و تقویت فرهنگ همکاری ضروری است.

جدول ۸. ابعاد، دلایل و پیامدهای خشونت جنسیتی

خشونت جنسیتی	
مؤلفه‌ها	شرح و مفاهیم
پدیده اصلی	حسادت، رقابت ناسالم و دخالت زنان دیگر در روابط عاطفی، کاری و اجتماعی.
شرایط علی	رقابت‌های عشقی و حسادت میان دوستان، اقوام و همکاران (تلاش برای نزدیکی به شریک عاطفی یا همسر فرد).
	نبود مرزهای روشن در روابط کاری و خانوادگی (تبادل پیام با شوهر، رفتارهای نامناسب در محیط کار).
	دخالت‌های خانواده همسر و دوستان در روابط زناشویی و مسائل شخصی.
شرایط زمینه‌ای	حسادت و رقابت بر سر دسترسی به منابع مشترک یا موقعیت‌های اجتماعی و کاری.
	ضعف در مهارت‌های ارتباطی و مدیریت رقابت در روابط عاطفی و کاری.
	فرهنگ دخالت‌گر و قضاوت‌محور در روابط خانوادگی و اجتماعی.
راهبردها	نبود حریم شخصی و عدم احترام به مرزهای روابط در محیط‌های خانوادگی و کاری.
	تلاش برای حفظ حریم روابط از طریق محدود کردن دسترسی یا فاصله‌گیری.
	مقابله مستقیم با رفتارهای حسادت‌آمیز یا دخالت‌های دیگران.
	تلاش برای جلب اعتماد و تقویت روابط عاطفی با شریک زندگی.
پیامدها	نادیده‌گرفتن رفتارهای منفی و تمرکز بر روابط مثبت.
	ایجاد استرس، اضطراب و کاهش اعتماد در روابط عاطفی.
	تضعیف روابط خانوادگی و کاری به‌دلیل رقابت‌های ناسالم و دخالت‌ها.
	کاهش احساس امنیت عاطفی و روانی.

عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر خشونت زنان علیه زنان

در این بخش به بررسی عواملی پرداخته‌ایم که نقش بنیادین در بروز خشونت میان زنان دارند و از طریق کدگذاری باز، محوری و انتخابی به تفکیک و تحلیل دقیق این عوامل پرداخته‌ایم. عوامل اجتماعی تأثیرگذار، زمینه‌ساز رفتارهای خشونت‌آمیز زنان علیه یکدیگر هستند و در قالب‌هایی مانند خانواده، دوستان، همسایگان، همکلاسی‌ها و همکاران نمایان می‌شوند. خشونت‌های اعمال‌شده در این فضاها معمولاً شامل رفتارهایی از قبیل تحقیر، تهدید، شایعه‌پراکنی، طرد و حتی حملات فیزیکی است که به دلیل فشارهای اجتماعی و روابط پیچیده خانوادگی، دوستانه و کاری تشدید می‌شود.

جدول ۹. کدگذاری باز، محوری و انتخابی بر اساس عوامل اجتماعی

کد انتخابی	کد محوری	کدگذاری باز
عوامل اجتماعی	خانواده	تجربه خشونت فیزیکی از سوی مادر به دلیل نمرات پایین، ضرب و شتم و تحقیر به‌خاطر ضعف جسمی و عصبانیت، و تهدید به محرومیت از تحصیل، تجربه‌هایی از بی‌توجهی و مقایسه‌های ناعادلانه از سوی خانواده به‌ویژه مادر است. همچنین، خشونت و تحقیر از سوی خواهر، انتقاد و فحاشی از سوی مادرشوهر و خواهرشوهر، و شایعه‌پراکنی از سوی اعضای فامیل نیز تجربه‌های تحقیرآمیز دیگری است. در مواقع بحران، طرد و نادیده‌گرفته شدن از سوی دوستان، تهدید به اسیدپاشی و کتک‌زدن توسط خواهر همسر، و ترک منزل به‌خاطر خشونت‌های خانوادگی از جمله مسائلی است که موجب احساس طرد و بی‌احترامی می‌شود.
عوامل اجتماعی	دوستان	تجربه تمسخر به‌خاطر ظاهر و لاغر، انتقادهای مکرر درباره پوشش و سبک زندگی، و طرد شدن پس از طلاق از سوی دوستان، نشان‌دهنده فشارهای روانی ناشی از روابط اجتماعی است. شایعه‌پراکنی درباره روابط شخصی و بی‌توجهی به نیازهای عاطفی و حمایت مالی نیز به‌ویژه در مواقع بحران، تأثیرات منفی زیادی دارد. قرض گرفتن مکرر از دوستان بدون بازپرداخت، خیانت و تظاهر به ناآشنایی در دوستی‌ها، و حسادت و رقابت ناسالم به‌خاطر موفقیت‌های تحصیلی و شغلی، از دیگر تجربه‌های ناخوشایند هستند که به انزوا و تحقیر منتهی می‌شود.
عوامل اجتماعی	همسایگان	دخالت و کنجکاوای همسایگان در امور شخصی و خانوادگی، تلاش برای جمع‌آوری اطلاعات شخصی و شایعه‌پراکنی، بی‌توجهی و عدم احساس امنیت به

کد گذاری باز	کد محوری	کد انتخابی
دلیل نگاه‌های قضاوت‌آمیز، قضاوت‌های نادرست و تحقیر به دلیل نوع پوشش و رفتار، تمسخر و تحقیر به‌خاطر تفاوت‌های فرهنگی، رقابت و حسادت به اموال و وضعیت مالی، تحقیر و تمسخر در فضاهای محلی و فضای مجازی، تهدید و بی‌احترامی به دلیل حضور در محیط‌های عمومی و داشتن سگ، تجربه نزاع‌های محلی و تلاش برای انزوای فرد به‌خاطر سبک زندگی متفاوت.		
انتقاد و تمسخر به دلیل ظاهر و پوشش در محیط مدرسه و دانشگاه، تحقیر به دلیل موفقیت تحصیلی و تفاوت در دیدگاه‌ها، شایعه‌پراکنی درباره روابط شخصی، رقابت و حسادت به دلیل تفاوت‌های شخصی و فرهنگی در مدرسه یا دانشگاه، تجربه طرد و نادیده‌گرفته شدن در جمع‌ها به دلیل انتخاب‌های شخصی، تحقیر و انتقاد به‌خاطر سبک زندگی و موقعیت اقتصادی، نگرش‌های جنسیتی و تمسخر به‌خاطر فعالیت‌های اجتماعی و انتخاب‌های شخصی، بی‌احترامی و قضاوت‌های ناعادلانه به دلیل تفاوت‌های زبانی، قومی و گرایش‌های شخصی.	همکلاسی‌ها	عوامل اجتماعی
بی‌توجهی به توانمندی‌های فردی و انتقال خشم به‌دلیل مسائل شخصی دیگر، تجربه تحقیر و تمسخر به دلیل نوع کار و موقعیت شغلی، رقابت و شایعه‌پراکنی برای جلب توجه مدیر، حسادت و استفاده از موقعیت شغلی برای تحقیر دیگران، رفتارهای خصمانه و تلاش برای حذف فرد از پروژه‌ها، تعارض بر سر تقسیم وظایف و اختلافات فرهنگی در محیط کار، بی‌احترامی به حقوق فردی و تلاش برای کاهش فرصت‌های شغلی، تحقیر و حسادت به دلیل موفقیت‌های شغلی و نوع ارتباط با مدیریت.	همکاران	عوامل اجتماعی

تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت زنان علیه زنان نشان می‌دهد که بسترهای مختلف روابط بین‌فردی (شامل خانواده، دوستان، همسایگان، همکلاسی‌ها و همکاران) می‌توانند به زمینه‌هایی برای بروز خشونت تبدیل شوند. این خشونت‌ها معمولاً تحت تأثیر عواملی شکل می‌گیرند که در جدول بالا به آن‌ها اشاره شده است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که خشونت میان زنان نه تنها حاصل خصومت‌های فردی، بلکه بازتابی از شرایط اجتماعی و فرهنگی گسترده‌تر است.

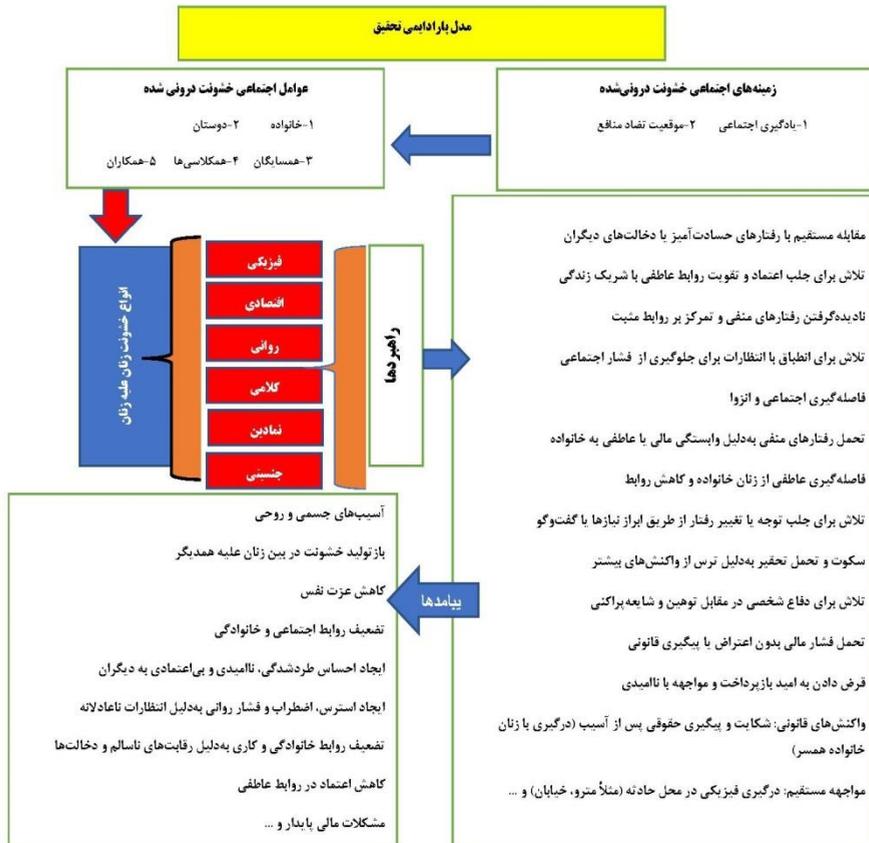
مدل پارادایمی پژوهش

عطف به موارد مطروحه، پدیده خشونت زنان علیه زنان، به‌عنوان یکی از جلوه‌های پیچیده خشونت میان‌فردی، در ابعاد مختلف اجتماعی و فرهنگی ریشه دارد. این پدیده که اغلب به‌عنوان خشونت درونی‌شده شناخته می‌شود، بازتابی از تأثیرات متقابل ساختارهای فرهنگی و اجتماعی بر رفتارها و تعاملات انسانی است. خشونت درونی‌شده در واقع نتیجه‌ای از فرآیندهای طولانی‌مدت اجتماعی است که در طی آن، زنان به‌جای اتحاد و همبستگی در برابر چالش‌های مشترک، درگیر رقابت‌ها و تعارض‌های داخلی می‌شوند. در جوامعی که کلیشه‌های جنسیتی، رقابت‌های ناسالم، و نابرابری‌های ساختاری وجود دارد، خشونت میان زنان به‌صورت الگوهای متنوعی از جمله خشونت فیزیکی، روانی، اقتصادی و عاطفی بروز می‌کند.

این پدیده در چارچوب روابط میان‌فردی زنان، بازتاب‌دهنده فشارها و تنش‌هایی است که در سطح کلان‌تر اجتماعی و فرهنگی وجود دارد. در چنین جوامعی، ساختارهای فرهنگی به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که نقش‌های جنسیتی سنتی، الگوهای رفتاری محدودکننده، و انتظارات ناعادلانه، زمینه‌ساز تعاملات پرتنش میان زنان می‌شوند. از سوی دیگر، نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی و نبود فرصت‌های برابر، این تعارض‌ها را تشدید کرده و رفتارهای خشونت‌آمیز را به‌عنوان روشی برای بقا و رقابت در محیط‌های پیچیده اجتماعی و اقتصادی تقویت می‌کنند. بنابراین بر پایه‌ی آنچه از مصاحبه با آسیب‌دیدگان این نوع خشونت فهم گردید و با توجه به مطالعات پیشینی، الگوی نظری مورد نظر ترسیم می‌گردد.

بنابراین مدل نظری حاضر تلاش دارد تا خشونت زنان علیه زنان را در قالب یک چارچوب جامع تحلیل کند. این مدل به بررسی روابط میان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، عوامل اجتماعی، انواع خشونت‌ها، پیامدها و راهبردهای مقابله با آنها می‌پردازد و با ارائه تحلیلی نظام‌مند، بینشی عمیق‌تر برای فهم این پدیده ارائه می‌دهد. در این مدل، زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی، به‌عنوان عوامل پایه‌ای و ساختاری، تأثیر مستقیمی بر روابط اجتماعی میان زنان دارند. این زمینه‌ها از طریق یادگیری اجتماعی، انتقال الگوهای فرهنگی و تضاد منافع در محیط‌های اجتماعی و کاری، رفتارهای خشونت‌آمیز را در سطح خرد تقویت می‌کنند. عوامل اجتماعی، پل ارتباطی میان زمینه‌های فرهنگی و رفتارهای فردی هستند و در قالب تعاملات

میان‌فردی در خانواده، محیط کار و اجتماعات کوچک نمایان می‌شوند. روابط خانوادگی، ناسالم، رقابت‌های ناسازگارانه در محیط‌های کاری و آموزشی، و نبود حمایت اجتماعی کافی، از جمله عوامل اجتماعی است که در شکل‌گیری خشونت میان زنان نقش دارند.



این مدل عوامل اجتماعی را به‌عنوان عامل اصلی بروز خشونت زنان علیه زنان معرفی می‌کند. خشونت‌های فیزیکی، روانی، کلامی، اقتصادی، نمادین و جنسیتی به دلیل تعاملات اجتماعی، تضاد منابع و باورهای نادرست اجتماعی به وجود می‌آیند. این خشونت‌ها موجب آسیب‌های جسمی و روانی، کاهش همبستگی اجتماعی و تضعیف روابط خانوادگی می‌شوند.

مدل شامل پنج بخش اصلی است:

۱. **زمینه‌های اجتماعی:** شامل یادگیری اجتماعی و تضاد منافع که به‌عنوان زمینه‌ساز خشونت عمل می‌کنند.
۲. **عوامل اجتماعی:** شامل روابط در خانواده، دوستان، همکاران و همسایگان که بر خشونت تأثیر دارند.
۳. **انواع خشونت:** خشونت اقتصادی، روانی، کلامی، نمادین، فیزیکی و جنسیتی که از تعاملات اجتماعی ناشی می‌شود.
۴. **راهبردها:** تلاش برای دفاع شخصی در مقابل توهین و شایعه‌پراکنی، تحمل فشار مالی بدون اعتراض یا پیگیری قانونی، قرض دادن به امید بازپرداخت و مواجهه با ناامیدی و...
۵. **پیامدها:** آسیب‌های جسمی و روانی، تضعیف روابط اجتماعی و خانوادگی، و بازتولید خشونت در نسل‌های آینده.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از نقاط قوت اساسی این پژوهش، نوآوری آن در انتخاب موضوع است. اغلب پژوهش‌های موجود در حوزه خشونت جنسیتی بر خشونت مردان علیه زنان تمرکز داشته‌اند، در حالی که این مطالعه با نگاهی متفاوت به خشونت زنان علیه زنان پرداخته است. این تمرکز تازه، امکان دیده‌شدن ابعاد کمتر شناخته‌شده‌ای از خشونت جنسیتی را فراهم ساخته و نشان داده است که زنان نیز می‌توانند به بازتولید روابط سلطه و تبعیض دامن بزنند. بدین ترتیب، این تحقیق نه تنها خلأ موجود در ادبیات علمی را پر می‌کند، بلکه می‌تواند دریچه‌ای نو برای بازاندیشی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌های حمایتی در حوزه زنان بگشاید.

از سوی دیگر، نوآوری روش‌شناختی پژوهش نیز قابل توجه است. استفاده از نظریه زمینه‌ای و تحلیل کیفی مبتنی بر تجربه زیسته زنان خشونت‌دیده، باعث شده است که داده‌ها به شکلی عمیق و از دل زندگی روزمره مشارکت‌کنندگان استخراج شود. این رویکرد، برخلاف مطالعات کمی و کلی‌نگر، توانسته است لایه‌های پنهان، پیچیده و چندبعدی خشونت زنان علیه زنان را آشکار سازد. علاوه بر این، انتخاب نمونه‌های متنوع از مناطق مختلف شهر تهران، به

پژوهش اعتبار بیشتری بخشیده و امکان ترسیم تصویری چندوجهی از این پدیده را فراهم کرده است.

خشونت زنان علیه زنان، که به‌طور عمده در قالب زن‌ستیزی درونی‌شده نمایان می‌شود، در اشکال مختلفی همچون خشونت فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی، نمادین، فرهنگی و حتی جنسیتی مشاهده می‌شود. این پژوهش نشان داد که زن‌ستیزی درونی‌شده به‌عنوان یک پدیده ریشه‌دار، نتیجه درونی‌سازی کلیشه‌ها و باورهای تبعیض‌آمیز جنسیتی است که به مرور زمان از طریق سازوکارهای اجتماعی و فرهنگی به زنان منتقل شده است. زنان، در این روند، این باورها را به‌عنوان قواعد اجتماعی پذیرفته و خود را به‌عنوان عاملان بازتولید این کلیشه‌ها و تبعیض‌ها در جوامع مختلف معرفی می‌کنند.

پیامدهای زن‌ستیزی درونی‌شده نه‌تنها به تضعیف همبستگی اجتماعی میان زنان منجر می‌شود، بلکه باعث بازتولید تبعیض‌های جنسیتی و افزایش خشونت میان زنان می‌گردد. در جوامعی که زنان با پذیرش این باورها به رقابت‌های ناسالم و درگیری‌های غیرضروری مشغول می‌شوند، روابط میان آن‌ها تخریب شده و در نتیجه حمایت‌های متقابل کاهش می‌یابد. این فرآیند باعث می‌شود که زنان به‌جای همبستگی و کمک به یکدیگر، خود به عاملان تداوم تبعیض‌های جنسیتی و نابرابری‌ها تبدیل شوند. علاوه بر این، زن‌ستیزی درونی‌شده با تضعیف اعتمادبه‌نفس زنان، تقویت نقش‌های تحمیلی و پذیرش محدودیت‌ها در زندگی اجتماعی و شغلی، منجر به کاهش انگیزه برای پیشرفت فردی و اجتماعی آنان می‌شود. در محیط‌های کاری و اجتماعی، این پدیده موجب می‌شود که زنان نتوانند از فرصت‌های برابر بهره‌مند شوند و در برابر هرگونه تغییرات مثبت یا اصلاحات اجتماعی مقاومت کنند.

در پاسخ به این چالش‌ها، پیشنهادهایی برای کاهش خشونت و تقویت همبستگی زنان ارائه شده است. از جمله این پیشنهادها، می‌توان به آموزش مهارت‌های ارتباطی و مدیریت تضاد در محیط‌های آموزشی و کاری اشاره کرد. این نوع آموزش‌ها می‌توانند به زنان کمک کنند تا به‌جای استفاده از رفتارهای مخرب، به روش‌های سازنده و مثبت در تعاملات خود روی آورند. همچنین، ترویج فرهنگ احترام و برابری جنسیتی از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، می‌تواند به تغییر نگرش‌های فرهنگی و کاهش کلیشه‌های جنسیتی کمک کند. نقش خانواده به‌عنوان نخستین نهاد اجتماعی در کاهش خشونت میان زنان نیز بسیار حیاتی است.

آموزش والدین در زمینه پرورش فرزندان با مهارت‌های همدلی و احترام به دیگران، می‌تواند از بازتولید خشونت و تبعیض در نسل‌های آینده جلوگیری کند. علاوه بر این، تدوین و اجرای سیاست‌های اجتماعی و حقوقی، از جمله قوانین جامع برای پیشگیری از خشونت و افزایش فرصت‌های برابر آموزشی و شغلی برای زنان، به کاهش رقابت‌های ناسالم و نابرابری‌ها کمک خواهد کرد.

توانمندسازی زنان نیز می‌تواند به کاهش وابستگی‌های نابرابر و افزایش قدرت مدیریت زندگی برای زنان کمک کند. در این راستا، ارائه آموزش‌های کارآفرینی و مهارت‌های حرفه‌ای به زنان، می‌تواند موجب کاهش رقابت‌های مخرب و کمک به پیشرفت فردی و اجتماعی آنان گردد. ایجاد شبکه‌های حمایتی زنان از طریق انجمن‌ها، گروه‌های اجتماعی و پلتفرم‌های آنلاین نیز می‌تواند به کاهش احساس تنهایی و افزایش همبستگی میان زنان کمک کند.

بازنگری در نظام آموزشی به منظور حذف کلیشه‌های جنسیتی و طراحی برنامه‌هایی که بر همکاری و تعامل مثبت تأکید دارند، از دیگر راهکارهای مؤثر در کاهش خشونت میان زنان است. همچنین، حمایت از زنان در محیط‌های کاری با اجرای سیاست‌های ضدتبعیض و نظارت بر رفتارهای خشونت‌آمیز، می‌تواند فضای کاری سالم‌تری ایجاد کرده و رقابت‌های مخرب را کاهش دهد. در نهایت، ارتقای سلامت روان زنان از طریق مشاوره‌های روان‌شناسی، آموزش مدیریت استرس و تقویت تاب‌آوری روانی می‌تواند در کاهش رفتارهای خشونت‌آمیز و افزایش همبستگی میان زنان مؤثر باشد. علاوه بر این، توسعه برنامه‌های رسانه‌ای که بر همکاری و حمایت زنان تأکید دارند، می‌تواند به تغییر نگرش‌های اجتماعی و کاهش خشونت میان زنان کمک کند.

منابع

- بورديو، پیر (۱۳۹۳)، *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: انتشارات آگه. چاپ پنجم.
- ریتزر، جورج؛ گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۰)، *نظریه جامعه‌شناسی مدرن*، ترجمه: خلیل میرزایی و عباس لطفی‌زاده، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان، چاپ اول.

سهراب‌زاده، مهرباب؛ منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۶)، تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده (مطالعه موردی: زنان شهر کاشان)، فصلنامه زن در فرهنگ و هنر، دوره نهم، شماره ۲، ۲۶۸-۲۴۵.

شاملوکاظمی، نفیسه (۱۴۰۳)، *ابعاد حقوقی نفرت‌پرانی علیه زنان در فضای مجازی*، استاد راهنما: فاطمه سادات حسینی ابراهیم آبادی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده رفاه، گروه حقوق. منیر، محمد داوود؛ بادغیسی، سمیه؛ صالحی، عبدالکبیر؛ کاوه، علی احمد (۱۳۸۷). *خشونت خانوادگی، عوامل و راهکارهای مقابله با آن* [کتاب الکترونیکی]. قم: مؤسسه فرهنگی و اطلاع‌رسانی تبیان. مهسان اکبری، امین (۱۴۰۲)، *تحلیل و تشخیص زنجری در شبکه‌های اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس دانشکده‌های فنی - دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر.

Bandura, Albert (1963), *Social learning and personality development*, New York: Holt, Rinehart, and Winston.

Bearman, Steve; Amrhein, Marielle (2013), "Girls, Women, and Internalized Sexism". *Internalized Oppression*. pp. 191-225. Doi: 9780826199263,0008/10,1891. ISBN 6-9925-8261-0-978.p.192

CBJ (Cultural Bridges to Justice) (2012), *challenging internalized sexism / internalized misogyny*, <https://culturalbridgestojustice.org/internalized-sexism-internalized-misogyny/>

Garcia-Moreno C, Pallitto C, Devries K, Stöckl H, Watts C, Abrahams N (2013), *Global and regional estimates of violence against women: prevalence and health effects of intimate partner violence and non-partner sexual violence*. Geneva, Switzerland: World Health Organization;

Gershon, Livia (2023), *Women Against Women's Suffrage*, <https://daily.jstor.org/women-against-womens-suffrage/> July 6, 2023.

Nigam S, Soperna N (2017), A study of the understated violence within social contexts against adolescent girls. *Journal of Education Culture and Society*. 8(2):29-41.

Ömer Alkan (2022), *Verbal and psychological violence against women in Turkey and its determinants*, Published online 2022 Oct 10. doi: 10.1371/journal.pone.0275950

Resha Naura Safa Amelia, Wening Udasmoro (2023), *Internalized Misogyny: Oppression Among Women In Lady J Movie By Emmanuel Moret*, *English Language & Literature International Conference*. <https://jurnal.unimus.ac.id/index.php/ELLIC/index>

Segal, Troy (2023), *Conflict of Interest Explained: Types and Examples*, December 22, 2023, <https://www.investopedia.com/terms/c/conflict-of-interest.asp>